

## کشاورزی ژاپن

در همه جای جهان، مؤسسات و بخشهای اقتصادی، و گاه حتی دولتها، تولیدات صنعتی ژاپن را خطری برای خود می‌دانند. اما حتی در خود کشور آفتاب تابان نیز، بخشهایی از فعالیت وجود دارد که در برابر رقابت تولیدات انبوه صنعتی، پناه می‌جوید.

این امر، قبل از همه در باره بخش کشاورزی صادق است. این بخش، تا نیمه دوم سده نوزدهم، به علت جزیره‌ای بودن ژاپن و حکومت سیصد ساله نظامیان شوگون (shogun)، با هیچ گونه رقابت بیگانه روبه‌رو نبود. اما هنگامی که امپراتوران می‌جی (Meiji) به قدرت رسیدند، یعنی کمابیش در زمانی که رایش آلمان تأسیس شد، انزوای تقریباً کامل این کشور ناگه خاتمه یافت. این امپراتوران، در مقام اصلاح‌طلبانی بزرگ، هدفشان این بود که هرچه سریعتر، دولت مبتنی بر اقتصاد کشاورزی خود را بر صنعت استوار سازند.

### تحول کشاورزی از پایان سده نوزده

از پایان سده پیش، جذب نیروی کار روستایی از سوی مؤسسات جدید صنعتی آغاز شد. البته این امر، افزایش درآمدهای واقعی را به همراه داشت، اما این افزایش، به نوبه خود، تقاضای تولیدات کشاورزی را نیز بالا برد. در آستانه جنگ اول جهانی، با بهبودی که در بهره‌وری شروع شده بود، برداشت برنج به دو برابر رسیده بود. با وجود این، موقتا "ژاپن ناگزیر شد به وارد کردن این محصول غذایی اساسی بپردازد. ژاپنی‌ها، به منظور تأمین ارز کافی برای واردات فوق و نیز وارد کردن تجهیزات صنعتی از خارج، ناچار بودند به صادر کردن محصولات کشاورزی مورد نیاز بازار جهانی بپردازند، و از این رو چاره‌ای جز افزایش محسوس تولیدات زراعی خود نداشتند. حدود سال ۱۹۰۰، ده نوع محصول - به ویژه ابریشم و چای - ۸۵ درصد حجم کل صادرات را تشکیل می‌داد. در ۱۹۱۴، حدود ۶۰ درصد جمعیت ژاپن مستقیماً وابسته به بخش کشاورزی بود، که تا جنگ جهانی دوم، این نسبت چندان تغییر نکرد.

آغاز جنگ، کشاورزی ژاپن را به سرعت دچار بحران ساخت. بیشتر کشاورزان به خدمت نظام فرستاده شدند. در سالهای میان ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵، تولیدات کشاورزی بیش از ۴۰ درصد کاهش یافت.





بیماد این امر، یک قحطی طولانی و مداوم، و نیز سقوط "بین" بود. ژاپنی‌ها می‌بایست برای آنکه اوضاع کمابیش سازمان گیرد، تا سال ۱۹۴۸ صبر می‌کردند. در این زمان، جنگ کره در گرفت و جهشی در تقاضا ایجاد شد. ژاپنی‌ها، شروع به کشت محصولات می‌کردند که تا آن زمان در آن سرزمین کمتر رایج بود، و به خصوص به غلاتی که قابل تبدیل به نان بود، روی آوردند. با این همه، سیاست کشاورزی حکومت، پس از جنگ جهانی، اساساً "مبتنی بر تأمین خودکفایی در زمینه مواد غذایی بود. زیرا می‌بایست، در رابطه با واردات مواد غذایی، اولویت قطعی را به بازسازی صنایع می‌دادند که یا به کلی ویران شده، و یا کاملاً" در هم ریخته بود.

آن‌گاه، در چارچوب سیاست دمکراتیزه کردن که توسط نیروهای اشغالگر آمریکایی به ژاپن تحمیل شده بود، یک برنامه اصلاحات ارضی به مرحله اجرا گذاشته شد. این برنامه به حذف مالکیت بزرگ ارضی انجامید و در نتیجه بازده را بالا برد، و در همان حال برقراری اصل شرکت‌های تعاونی، موجب آن شد که کشاورزان تنگدست‌تر، با سهولت بیشتری بتوانند زمینهای خود را مکانیزه کنند. حکومت، کنترل بسیار دقیقی بر داد و ستد و واردات کشاورزی اعمال می‌کرد، و فقط حدود سال ۱۹۵۵ بود که به علت نیاز، اجازه داده شد محصولات غذایی خارجی، خریداری شود.

از سالهای ۱۹۵۰ به بعد، با وجود حمایت سخنی که از کشاورزی به عمل می‌آمد. کشاورزان ناچار شدند به نحوی روزافزون خود را با شرایط تحول جدید منطبق سازند. در واقع، پیشرفتهای صنعتی، سنتهای مصرف غذایی را دگرگون می‌ساخت. مردم که پیش از پیش ناگزیر از صرف غذا در محل کار خود می‌شدند، شروع به مصرف بیشتر نان، گوشت قرمز، گوشت ماکیان و لبنیات کردند. این تحول در عادات غذایی، تا امروز نیز همچنان ادامه دارد.

### در جستجوی خودکفایی

می‌توان گفت که در حال حاضر، بخش کشاورزی، همراه با ماهیگیری و جنگلداری که دو زمینه بسیار مهم فعالیت در ژاپن است، حدود ۴ درصد در تولید ملی سهم دارد، ولی با این سهم ناچیز نمی‌توان دریافت که چرا ژاپنی‌ها، در سیاست اقتصادی خود، و به ویژه در برنامه تجارت خارجی، چنین اهمیت فراوانی برای بخش کشاورزی قائل هستند. از این رو، باید علل این امر را جستجو کرد. از یک سو، کشاورزان هنوز در حال حاضر، بیش از ۱۱ درصد جمعیت فعال را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر، تأمین مواد خوراکی جامعه که درست در سالهای پس از جنگ به عنوان شریان حیاتی کشور تلقی می‌شد، هنوز در ذهن ژاپنی‌ها، بر خلاف مثلاً "مردم آلمان غربی، همان مقام را دارد. بنابراین، بخش بسیار بزرگ و شکفت‌آوری از مردم ژاپن، خواهان خودکفایی کاملی در این زمینه، حتی به بهای گران بودن ارزاق، هستند.

در مباحثات عمومی در زمینه سیاست اقتصادی، کسانی که هواخواه آزادسازی واردات کشاورزی و در نتیجه آماده برای از بین رفتن تعداد زیادی از بهره‌بردارهای روستایی هستند - مانند برخی



سازمانهای صنعتی که اخیراً "بارها نظر خود را در این باره اعلام داشته‌اند - در مقایسه با مخالفان خود، شمار بسیار ناچیزی را تشکیل می‌دهند. کشاورزان ژاپنی، از این موقعیت مساعد، ماهرانه استفاده می‌کنند. اعلانهای تبلیغاتی و شعارهای پانچ‌های، که سراسر کشور را فرا گرفته است، فقط تظاهر بیرونی یک سیاست سندیکیایی است که هدفش قبل از هر چیز مقابله با خواسته آمریکاییان در باره آزادی واردات گوشت گاو و مرغ است. افزایش احتمال عملی شدن چنین سیاستی، بدون هیچ گونه تردید، بهای این دو محصول را در بازار داخلی، پایین خواهد آورد. با این همه، تعدادی از مصرف‌کنندگان ژاپنی، همان گرایش فکری کشاورزان را دارند و معتقدند که ترجیح دارد ژاپن با خرید کمتر تجهیزات صنعتی از طرفهای بازرگانی خارجی، خود، در برابر ایشان واکنش نشان دهد، تا آنکه ذخایر تأمین مواد غذایی خود را به خطر اندازد.

### شرایط دشوار، قیمت‌های بالا

اما عادلانه آن است که بررسی عمیقتری از شرایط کنونی کار کشاورزان ژاپنی، انجام گیرد. ساخت زراعی کشور آنها، هرگز به سطح بهره‌برداریهایی بزرگ آمریکایی نخواهد رسید. هر کشاورز ژاپنی، به طور متوسط، فقط ۱/۲ هکتار زمین زراعی در اختیار دارد که کمتر از یک درصد سطحی است که یک بهره‌بردار آمریکایی در آن کشت می‌کند. بجز مناطق شمالی ژاپن، که بهره‌برداریهایی وسیعتری در آنجا وجود دارد، زمین اکثر کشاورزان ژاپنی، به زحمت به حتی ۲/۳ هکتار می‌رسد. بخش بزرگی از سرزمین ژاپن، یا مسکونی و آکنده از جمعیت است، و یا از کوههایی پوشیده شده است که مشکلات فراوانی برای قابل کشت کردن آنها وجود دارد، و از این لحاظ، اکثریت دهقانان در شرایط طاقت فرسایی کار می‌کنند که حتی مکانیزه کرده عمقی نیز چندان قادر به بهبود آن نیست.

باغهای نارنگی، که منبع اصلی میوه کشور را تشکیل می‌دهند، در شیب تپه‌ها و کوهها، که گاه بسیار تند است، احداث شده است، و ارتفاع آنها به اندازه‌ای است که برای حمل و نقل میوه باید از بالابرهایی مخصوص استفاده شود. علاوه بر این، دشواری کار، در دوره‌های طولانی گرمای سوزان یا طوفان و یا آشوبهای شدید جوی همیشگی مخصوص این ارتفاعات، افزایش بیشتری می‌یابد. از آنجا که قیمت نارنگی دیگر اجازه نمی‌دهد که از این پس، چنانکه در گذشته رسم بود، از نیروی کار کارگران فصلی استفاده شود، باغداران شروع به همکاری با چاپکاران کرده‌اند. در ماه نوامبر، همگی آنها کار را در باغهای نارنگی متمرکز می‌کنند، و در پایان بهار، با هم به مزارع چای بر می‌گردند.

با توجه به اینکه ژاپن از مجمع‌الجزایر گسترده‌ای تشکیل شده است، رساندن محصولات کشاورزی به مراکز مصرف بسیار گران تمام می‌شود. قرار است یک طرح ویژه، که هدفش احداث راههای ترابری انحصاری - اکثراً " برای حمل و نقل محصولات کشاورزی - است، به این وضع بهبود بخشد. ۸۵ درصد هزینه این طرح به وسیله دولت و سرمایه‌های بخش عمومی، و ۱۵ درصد آن، از سوی استفاده‌کنندگان پرداخت می‌شود. با این حال، توسعه راهها و بهبود کیفیت میوه، برای آنکه بتواند نارنگیهای ژاپنی را قادر به رقابت با مرکبات آمریکایی سازد، کافی نیست؛ مانع اصلی این رقابت، قیمت بالای محصولات



ژاپنی است.

وضع دامداران نیز، چندان از این بهتر نیست. وابستگی آنها به علوفه وارداتی باعث شده است که قیمت گوشت تولید شده، علی‌رغم کیفیت بسیار خوبی که دارد، به قدری بالا برود که توان رقابت نداشته باشد. بجز دامداریهایی که در جزیره هوکایدو (Hokkaido)، یعنی در شمالترین بخش کشور، واقع شده است، بقیه کشاورزان، به علت فقدان فضای کافی برای چرای چارپایان، تقریباً در همه جای کشور ناچارند در تمام طول سال، دامهای خود را درون اصطبل نگهدارند؛ اصطبلهایی که اغلب در کوههای مرتفع دست نیافتنی ساخته شده است. بنابراین، در این زمینه نیز هزینه‌های حمل و نقل بسیار بالاست. از همین روست که دامداران، در مقابل تهدید رقابت آمریکا، دست به دامان دولت شده‌اند.

### یک گروه فشار نیرومند

حکومت ژاپن، مبالغ هنگفتی صرف کشاورزی می‌کند، چنانکه در حال حاضر، این گونه هزینه‌ها حدود یک دهم بودجه کشور را تشکیل می‌دهد. در این میان، بهره‌گیران اصلی در واقع برنجکاران و نوغان داران هستند که محصولاتشان از سوی دولت، و با قیمت‌های تضمین شده، خریداری می‌شود. همان طور که انتظار می‌رفت، نتیجه این کار این بوده است که تولید در جهتی کاملاً "نامساعد برای بازار، تحول پیدا کرده است. برنج و ابریشم، مثل پودر شیر و کره در اروپا، حالت انباشتی و تراکم پیدا کرده است. چنین سیاستی، امکان بهبود تولید میوه و گوشت را محدود می‌کند.

نماینده منافع کشاورزان در داخل حکومت ژاپن، وزارت نیرومند کشاورزی است. در ژاپن سنت شده است که هیچ رئیس دولت یا وزیر اقتصادی، سیاست خود را بدون رعایت نظر وزارت کشاورزی، طرح و اجرا نکند. علاوه بر آن، مدت‌های مدیدی است که کشاورزان برای حزب لیبرال - دمکرات که اکنون بر سر کار است، رأی دهندگان وفاداری را تشکیل می‌دهند. برنامه آزادسازی واردات، که اخیراً توسط نخست وزیر، آقای ناکازونه، به اجرا درآمده است، به راستی حد نهایی قابل اجرایی در زمینه برنامه سیاست داخلی است. سرانجام، حتی خود نخست وزیر جرأت نکرد محدودیتهایی را که برای ورود مرکبات و گوشت گاو وضع شده بود، از میان بردارد. در واقع، دسته‌های کامل مبارز دهقانان، از هم اکنون در صفوف فشرده در محله‌ای که مراکز دولتی در آن واقع شده است، رژه می‌روند. در حال حاضر، جز سیمای سیاسی بخش دهقانی، هیچ چیز دیگری امکانات سیاست آزادسازی دولت ژاپن را، محدود نمی‌سازد.

وزارتخانه‌های دیگر نیز، به انحاء مختلف، از کشاورزی حمایت می‌کنند. مثلاً "وزارت دارایی به سود کشاورزی نوعی مقررات مالی وضع کرده است که طبق آن، اکثریت عظیم دهقانان از پرداخت مالیات معاف می‌شوند. فقط گاه مقامات محلی و منطقه‌ای با کشاورزان با عنایت کمتری رفتار می‌کنند. چنانکه مثلاً" نرخ مالیات بر زمینهای کشاورزی را با زمینهایی که برای مقاصد صنعتی به کار می‌روند، یکسان گرفته‌اند. ظاهراً، این کار وسیله محترمانه‌ای است که معمولاً مورد استفاده قرار می‌گیرد تا دهقانان را به سوی چشم پوشی از میراث خانوادگی بکشاند. حتی در پشت دروازه‌های توکیو یا اوزاکا، هنوز مقدار زیادی



زمین کشاورزی وجود دارد، که لاقلاً برای مؤسسات و سازمانهای خدمات شهری، بدل به "سوی دماغ" شده است. این گونه سازمانها، در مقایسه با بخش کشاورزی، علاقه بسیاری به بخش صنعت دارند، و چنانچه کار به دست اداره خدمات عمومی سپرده می شود، چیزی نمی گذشت که ژاپن به یک دولت بزرگ صرفاً "صنعتی مبدل می گشت و کشاورزی عملاً" از میان می رفت.

### به سوی آزادسازی؟

در حال حاضر، هنوز نمی توان با اطمینان گفت که آیا کشور قاطعانه راه آزادسازی را اختیار خواهد کرد یا نه. علی رغم اقدامات اقتصادی که برای کمک به کشاورزی در پیش گرفته شده است، شمار دهقانان پیوسته کاهش می یابد. کار کشاورزی برای دهقانان رفته رفته به یک فعالیت ثانوی تبدیل می شود. از جمله، آخرین زمینهایی که در منطقه شهری شده واقع شده است، به قیمت های بالایی فروخته می شود. همین کار کافی است تا در موارد متعدد، زندگی دهقانان را کاملاً "تغییر دهد. این گرایش به ترک حرفه کشاورزی، امروزه چنان شدتی یافته است که تعداد فراوان و رو به افزایش از دختران جوان، از ازدواج با کشاورزان خودداری می کنند، برای آنکه از زندگی دشوار و بدون آینده کشاورزی هراس دارند. بنابراین، آنچه کشاورزان ژاپنی را تهدید می کند، فقط فشارهایی نیست که طرفهای بازرگانی دولت، برای آزادسازی سریع و کامل واردات کشاورزی، وارد می آورند. بدین ترتیب، با وجود حمایتی که دولت از آنها به عمل می آورد، کشاورزان ناچارند حتی در داخل کشور، برای زندگی خود مبارزه کنند.

در زمینه سیاست اقتصادی، کار بسیار دشوارتر است. دولت ناگازونه، ممنوعیتهایی را که از مدت ها پیش بر واردات محصولات دغانی وضع شده بود، از میان برداشته است. با توجه به اینکه این سنگر، زمانی بس دراز در برابر حملات متعدد طرفهای بازرگانی ژاپن، تزلزل ناپذیر به نظر می رسید. علاوه بر آن، همه شواهد این تصور را ایجاد می کند که نخست وزیر ژاپن، که هواداری خود را از اردوگاه غرب پنهان نمی دارد، ممکن است به زودی تصمیم بگیرد حتی واردات مرکبات و گوشت گاو را نیز، برای دوره کوتاه مدت، آزادسازد. حکومت لیبرال - دمکرات ژاپن، علی رغم وابستگیهای عاطفی خود به بخش کشاورزی و نظر مساعدی که همیشه نسبت به کشاورزان داشته است، کاملاً "به این واقعیت آگاه است که حکومت ژاپن مدتهای مدیدی است که دیگر نیک دولت کشاورز به شمار نمی رود. بدین ترتیب، برای یک ملت نیرومند صنعتی، بسیار خطرناک است که تا زمانی نامحدود به دفاع خود از کشاورزی ادامه دهد، بخشی که به علت تبعیت خود از شرایط جغرافیایی، منشاء هزینه های گزاف برای کشور است. اما اگر آزادسازی واردات، آخرین سدهای گمرکی را نیز فرو برد، کشور آفتاب تابان شاهد نابودی بهره بردار بیهای کوچک روستایی خود خواهد بود. و آن گاه، کشاورزان ژاپنی دیگر تنها ژاپنی هایی نخواهند بود که در چنگ مشکلات اسیر می شوند.

از : Problèmes Economiques

30 Novembre, 1983